

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نوروز؛ بستری مشترک برای دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه

علی زارع^۱

سید محمدکاظم سجادیپور^۲

چکیده

نوروز یکی از آیین‌های باستانی است که هر ساله با آغاز اعتدال بهاری در ایران و کشورهای متأثر از حوزه تمدنی ایران و نیز ترکیه برگزار می‌شود. یکی از مهم‌ترین عناصر فرهنگی مشترک بین ایران و ترکیه، نوروز باستانی است. در کنار مفهوم قدرت سخت، اهمیت قدرت نرم و ابعاد فرهنگی هر کشور اهمیت فراوانی یافته است و نوروز به عنوان یک مفهوم قدرت نرم فرهنگی در روابط ایران و ترکیه می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. پرسش مقاله حاضر این است که نوروز چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در دو کشور ایران و ترکیه دارد و نقش نوروز در دیپلماسی فرهنگی دو کشور چگونه ارزیابی می‌شود. به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت قدرت نرم و نمودهای فرهنگی، نوروز می‌تواند به تعمیق روابط فرهنگی ایران و ترکیه کمک شایانی کند. روش پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و گردآوری داده‌ها از مقالات، کتاب‌ها و بررسی آنها به روش توصیفی - تحلیلی است.

واژگان کلیدی:

نوروز، ایران، ترکیه، قدرت نرم، دیپلماسی فرهنگی.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۲۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۲۵

^۱ دانشجوی دکتری ایران شناسی بنیاد ایران شناسی دانشگاه شهید بهشتی تهران، جمهوری اسلامی ایران.

alizareparslion@yahoo.com

^۲ نویسنده مسئول و استاد دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

smksajjad@yahoo.com

مقدمه

در گستره نظام جهانی هر کشوری ناگزیر از ارتباط با سایر کشورهاست و تعامل هر کشور با همسایگان خود نیز امری حیاتی تلقی می‌شود. ایران به‌عنوان یکی از دیرینه‌ترین تمدن‌های جهانی در طول تاریخ همیشه با دولت‌های جهانی در دادوستد همه‌جانبه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و... بوده است. ایران به معنی جغرافیای سرزمینی کنونی، با ایران فرهنگی تفاوت بارزی دارد. فرهنگ ایرانی از مرزهای چین تا هند، پاکستان، آسیای مرکزی، قفقاز، آناتولی، بین‌النهرین و نیز بخش‌هایی از شرق اروپا و نیز آفریقا را تحت‌تأثیر خود قرار داده است. در عصر جدید که دامنه نفوذ و اعمال قدرت کشورها به‌سوی قدرت نرم پیش رفته است، استفاده از عناصر فرهنگی و تمدنی برای پیداکردن حلقه‌های مشترک گفتگو و تعامل بسیار حیاتی است.

نوروز به‌عنوان آیینی کهن هر ساله از سوی کشورهای زیادی برگزار می‌شود. از سال ۲۰۱۰، مراسم نوروز در مقر سازمان ملل متحد و با حضور نمایندگان ۱۲ کشور ثبت‌کننده میراث ناملموس نوروز گرامی داشته می‌شود. کشورهای حوزه نوروز شامل ۱۲ کشور ایران، ترکیه، آذربایجان، ازبکستان، افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، عراق، قزاقستان، قرقیزستان و هند می‌باشند.

قدرت نرم یکی از ابعاد مهم قدرت در عصر کنونی به شمار می‌رود. تکیه قدرت نرم بر تأثیرگذاری فرهنگی و نفوذ فرهنگی و ایجاد جاذبه برای دیگر فرهنگ‌هاست. باتوجه‌به اهمیت آیین‌های فرهنگی چون نوروز، تکیه بر این نوع مراسم می‌تواند به نزدیکی فرهنگی کشورها از جمله ایران و ترکیه کمک نماید. پرسش مقاله حاضر این است که چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی درباره مراسم نوروزی در ایران و ترکیه وجود دارد و نوروز چگونه می‌تواند به تعمیق روابط فرهنگی دو کشور کمک نماید.

درباره نوروز و مراسم آن در زبان فارسی کتاب‌های زیادی نگاشته شده که به اهم آن‌ها اشاره می‌شود. بلوکباشی در کتاب *نوروز جشن نوزایی آفرینش* به خاستگاه نوروز و آیین‌های مرتبط با آن اشاره کرده است. رضی در کتاب *گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان* مسائل گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان مثل نوروز، مهرگان، سده و یلدا را به تفصیل شرح داده است. روح‌الامینی در کتاب *آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز* به بررسی مردم‌شناختی نوروز پرداخته است. هنری نیز در کتاب *آیین‌های نوروزی* مراسم مرتبط با نوروز در ایران را بیان کرده است. شعبانی در کتاب *آداب و رسوم نوروز* درباره مقدمات نوروزی، سیر تاریخی

نوروز، مواخرات نوروزی، نوروز در روایات اسلامی، نوروز در میان دیگر اقوام و ملل فصولی نگاشته است، اما به مراسم نوروز در ترکیه اشاره نکرده است. تنها کتابی که اشاره‌ای کلی به مراسم نوروز در ترکیه دارد، کتاب *نوروز در کشورهای حوزه تمدنی ایران* از سازمند است.

فرهنگ و قدرت نرم. در فرهنگ فارسی معین معانی زیر برای واژه فرهنگ به کار رفته است: ۱. ادب، تربیت؛ ۲. دانش، علم، معرفت؛ ۳. مجموعه آداب و رسوم (معین، ج ۲، ۱۳۸۸: ۲۵۳۸). در ادبیات فارسی، اصطلاح فرهنگ در زمان‌های مختلف به معانی مختلف به کار رفته است؛ مانند دانش و خرد، فنون و ورزش‌ها، آموختن و به کار بستن (روح‌الامینی، ۱۳۶۸: ۱۳-۱۲). به‌طور کلی، امروز ۱۶۰ تعریف از فرهنگ وجود دارد که در چند گروه توصیفی، تاریخی، روان‌شناسی، ژنتیک و غیره طبقه‌بندی می‌شود. یکی از کامل‌ترین تعاریف فرهنگ در علوم انسانی مربوط به ادوارد تیلور است که فرهنگ و تمدن را مجموعه پیچیده‌ای از شناسایی‌ها، اعتقادات، حقوق، هنرها، آداب، اخلاق و سایر خصوصیات می‌داند که فرد به‌عنوان عضو جامعه‌اش کسب می‌کند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۵: ۱۱۷ و ۱۱۵).

مفهوم فرهنگ به معنی جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی آن، نخستین‌بار به‌وسیله مردم‌شناس انگلیسی ادوارد تیلور در سال ۱۸۷۱ در کتابی تحت عنوان فرهنگ ابتدایی به کار رفت. بسیاری از متفکران و صاحب‌نظران علوم اجتماعی، وجه تمایز زندگی انسان و حیوان را فرهنگ عنوان کرده‌اند. اسپنگلر فرهنگ را مبنای اصلی جامعه انسانی می‌داند. وی که مکتب اثر را بر اصالت فرهنگ بنا نهاده است، عقیده دارد که حیات و پویایی جامعه به پویایی فرهنگ بستگی دارد و مرگ جامعه، مرگ فرهنگ آن است. بعضی از مردم‌شناسان، بودن را به معنی داشتن فرهنگ تلقی می‌کنند. از آن رو که فرهنگ به معنای تظاهرات مادی و معنوی فعالیت‌های انسان برای سازگاری با محیط به کار می‌رود، به عنوان مرزی است که انسان را از سایر حیوانات جدا می‌سازد (مجدفر، ۱۳۸۳: ۲۰۲ و ۱۹۹). جوئل شارون فرهنگ را این‌گونه تعریف می‌کند که فرهنگ مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، ارزش‌ها، شیوه کارها، آداب و رسوم، قوانین و اخلاق است که مردم به عنوان راهنمایی برای درک و تسلط بر خود به کار می‌برند (شارون، ۱۳۷۹: ۳۷۵). مالینوفسکی جنبه‌های معنوی، مادی و انسانی فرهنگ را در نظر گرفته و به آن کلیت بخشیده است. او اعتقاد دارد که پیوندهای خونی، هم‌جواری مکانی، تخصصی شدن فعالیت‌ها، به ویژه کاربرد قدرت در سازمان سیاسی، این کلیت را به فرهنگ داده است و فرهنگ شامل کلیه ابزار کار، کالاهای مصرفی، قوانین سازمانی تعیین‌کننده خط و مشی گروه‌های اجتماعی، اندیشه‌ها و هنرها، اعتقادات و آداب و رسوم می‌باشد

(فرسار، ۱۳۷۷: ۱۲۸). استوارت هال یکی از چهره‌های اصلی مطالعات فرهنگی است که تعریف جدیدی از فرهنگ ارائه داده است. وی فرهنگ را کارهای زینت شده‌ای می‌داند که مشخصه جامعه، طبقه یا گروه خاصی در دوره‌ای خاص از تاریخ باشد. فرهنگ شامل ایدئولوژی‌های عملی است که جامعه، گروه یا طبقه‌ای را قادر می‌سازد تا شرایط هستی خود را تجربه، تعریف و تفسیر کنند و معنای آن را درک نمایند (بهار، ۱۳۸۹: ۲۸).

در یک تقسیم‌بندی، برای فرهنگ ویژگی‌های زیر را برشمرده‌اند:

(۱) آموختنی است؛ فرهنگ، به دست آوردنی است و راه انتقال آن ارثی نیست. (۲) انتقال یافتنی است؛ ابعاد فرهنگ با تلاش و آموزش به نسل‌های بعدی انتقال می‌یابد. (۳) بعد اجتماعی دارد؛ عناصر شکل‌دهنده فرهنگ (ارزش، هنجار و عادات) اجتماعی هستند. (۴) پاسخ‌گوی نیازمندی‌های اساسی حیات است؛ فرهنگ چگونگی زیستن در پرتو اجتماع، مقابله با حوادث و تحولات طبیعی و یا تغییر شکل طبیعت را برای انطباق آن با خواسته‌های انسان، به او می‌آموزد. (۵) ثابت و پایدار است؛ اگر چه تحول‌پذیری یکی از ویژگی‌های فرهنگ است، ولی این تحول به اندازه‌ای آرام و غیر محسوس است که به نظر می‌رسد جنبه پایدار بودن آن قوی‌تر است. (۶) مشخص‌کننده معیارها و ارزش‌هاست (فولادی، ۱۳۸۷: ۱۸۸ - ۱۸۷).

تعاریف بسیاری برای قدرت وجود دارد و هر یک از اندیشمندان و فلاسفه به بعدی از ابعاد قدرت پرداخته‌اند. برخی قدرت را مترادف توان ایجاد تغییر یا ایستادن در برابر آن می‌دانند و برخی نیز آن را مترادف توانایی دست‌یابی به خواسته‌هایمان (نای، ۱۳۹۲: ۲۶). به‌طور کلی، قدرت به معنای توانایی عملی کردن خواسته‌ها به رغم مخالفت دیگران است، البته اگر چنین مخالفتی وجود داشته باشد. حتی لاسول که قدرت را مشارکت در تصمیم‌گیری می‌داند، موافق است که اعمال و اندیشه‌ها فی‌نفسه قدرت نیستند و برای این که به قدرت تبدیل شوند، اعمال کنندگان قدرت باید اطاعت کنندگانی بیابند و آنها را وادارند تا در راه حل و رفع مسائل عمل کنند (بیکی، ۱۳۸۹: ۳۳). قدرت را از منظری می‌توان به دو نوع پیامدی و اجتماعی تقسیم کرد. قدرت پیامدی توانایی کنشگر برای آن است که پیامدهایی را ایجاد و یا به ایجاد آنها کمک کند. قدرت اجتماعی توانایی کنشگر برای تغییر ساختار انگیزش کنشگر یا کنشگران دیگر، به گونه‌ای تعمدی تا به بروز پیامدهایی منجر شود، یا به ایجاد آنها کمک کند (دودینگ، ۱۳۸۰: ۱۱).

از منظری دیگر قدرت به دو نوع سخت و نرم تقسیم می‌شود. قدرت نرم عبارت است از توان اثرگذاری بر دیگران از طریق اهرم‌های تعیین چارچوبی مشخص برای برنامه کار، ایجاد رغبت و جاذبه مثبت در راستای کسب نتایج دلخواه (نای، ۱۳۹۲: ۴۷). قدرت نرم بر قابلیت

شکل دادن به علایق دیگران تکیه دارد. در سطح مراودات فردی، همه ما با قدرت جذاب، اغوا و شیفتگی دیگران آشنا هستیم. قدرت نرم شامل توانایی جذب کردن می‌شود، و جذب، اغلب باعث مشارکت توأم با رضایت می‌گردد. در اصطلاح رفتاری، قدرت نرم، قدرت جذابیت و در اصطلاح منابع، منابع قدرت نرم دارای‌هایی هستند که چنین جذابیت‌هایی را تولید می‌کنند (نای، ۱۳۸۹: ۴۴ - ۴۳). برخی از مهم‌ترین راهکارهای رسیدن و در اختیار داشتن قدرت نرم را می‌توان شامل موارد زیر دانست: (۱) داشتن کانال‌های چندگانه ارتباطی داخلی و خارجی (۲) نزدیک کردن سنت‌ها و ایده‌های فرهنگی اجتماعی و سیاسی بر نرم‌های جهانی (۳) حرکتی آرام، پراکنده و مداوم در جهت تسخیر افکار عمومی از طریق رسانه‌هایی که با مردم همراه هستند (۴) ایجاد گفتمان‌های خبری - رسانه‌ای در خارج و داخل به زبان‌های مختلف (۵) توجه به طراحی و انعکاس برنامه‌هایی که تفکر جهانی شدن از محلی شدن را منعکس کند (۶) ابهام‌زدایی از صحنه سیاست خارجی (۷) اعلام برنامه‌ها و اصول کلی اجرایی و تشریح دیدگاه‌ها در مورد مسائل حساس جهانی و منطقه‌ای (۸) ایجاد و گسترش تعاملات فرهنگی با استفاده از ابزارها و شیوه‌های مختلف (زرقانی، ۱۳۸۸: ۲۹).

۱. نوروز در ایران

نوروز یکی از کهن‌ترین و ماندگارترین آیین‌های ملی ایرانی است که با گذر از هزاره‌ها و فراز و فرودهای فراوان تاریخی، هنوز نیز به حیات خود ادامه می‌دهد. نام نوروز در اوستا نیامده است و قدیمی‌ترین اشاره مکتوب به نوروز در برخی متون ساسانی مشاهده شده است. شاید کهن‌ترین نام نوروز متعلق به متن زند نیرنگستان باشد که درباره نوروز بزرگ (ششم فروردین) مطالبی دارد (مزداپور، ۱۳۸۷: ۶۱). نوروز را می‌توان از سه وجه اسطوره‌ای، تاریخی و فرهنگ عامه بررسی کرد. پایه‌گذار نوروز از دید اسطوره‌ای، جمشید چهارمین شاه پیشدادی است که فردوسی در شاهنامه بدان اشاره کرده است:

به جمشید بر گوهر افشاندند مر آن روز را روز نو خواندند

با گذر از عصر اسطوره‌ای، در دوره هخامنشیان نوروز به‌عنوان مراسمی رسمی و آیینی در تخت‌جمشید برگزار می‌شد و نمایندگان ملل تابعه هخامنشی در این روز پیشکش‌های خود را به شاه هخامنشی تقدیم می‌کردند. در عصر هخامنشی اقوام ایرانی و ملل تابع آن که معتقد به اجرای مراسم نوروزی بودند تا زندگی‌شان پربرکت باشد، هر ساله نمایندگان را به هنگام نوروز به تخت‌جمشید می‌فرستادند تا پس از تاج‌گذاری مجدد شاه، نمایندگان به

حضور او راه یابند، سلطنت او را بزرگ دارند و هر یک کالای محل خویش را برای تبریک به حضور شاه آورند (بهار: ۱۳۸۴: ۸۵ - ۸۴).

از مراسم نوروز در دوره اشکانی اطلاعاتی در دست نیست؛ اما از نوروز در عهد ساسانی منابع زیادی وجود دارد که می‌گویند نوروز در دربار ساسانی باشکوه بسیار برگزار می‌شده و در این روز مالیات‌های وصول شده را به حضور شاه می‌پردند و شاه به عزل و نصب حکام می‌پرداخت و سکه می‌زد و دستور می‌داد آتشکده‌ها را پاک کنند و درباریان و ارتش داران و مردمان را به حضور می‌پذیرفت و مردمان نیز این ایام را به شادی می‌گذراندند (قندهاری، ۱۳۸۹: ۱۶۰ - ۱۵۹). در دوره ساسانی نوروز را به نوروز عامه و نوروز خاصه تقسیم کرده بودند. نوروز عامه یا نوروز کوچک پنج روز بود که از اول فروردین آغاز می‌شد و نوروز خاصه روز ششم فروردین، یا خرداد روز بود که آن را جشن بزرگ نیز می‌نامیدند (بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۲۷).

با ورود اسلام و در دوره امویان مراسم نوروز تا حدودی محدود شد و شکوه و رونق گذشته خود را از دست داد اما همچنان پابرجا بود تا در دوره خلفای عباسی، با نفوذ خانواده‌های ایرانی در دستگاه خلافت، بسیاری از سنت‌های ایرانی، از جمله نوروز، رواج و رونقی مجدد پیدا کرد (درویشی، ۱۳۷۹: ۲۸۱). خلفای عباسی نیز مانند پادشاهان ساسانی در روز عید نوروز بار عام می‌دادند و هدایای مردم را می‌پذیرفتند. علاوه بر پذیرش هدایا، آنها خود نیز هدایایی به مردم تقدیم می‌کردند بنابراین رسم بار عام نه تنها همچون دوره ساسانیان باقی ماند، بلکه با شکوه و عظمت بیشتری برگزار می‌شد. خلفای عباسی نیز همچون پادشاهان ساسانی در ایام اولیه عید نوروز لباس فاخر می‌پوشیدند (براون، ۲۵۳۶: ۳۷۵). همچنین آنان در دربار می‌نشستند و مردم را به حضور می‌پذیرفتند و هدایای آنها را قبول می‌کردند. اهدای هدایا به خلیفگان، حق قانونی و مسلمی برای ایشان شناخته شده بود و همه مردم و رعایا، از بزرگان، وزیران، دیوانیان و روسای اصناف و توانگران از زر و زیور، عطر، مروارید و سنگ‌های گرانبها می‌پرداختند و در این امر بر هم پیشی می‌گرفتند. بازرگانان از امتعه و کالاهای قیمتی چون فرش، پارچه‌های گرانبها و کنیزان زیبا هدیه می‌دادند. شاعران قصایدی در مدح و ستایش می‌سرودند و توده مردم از گل و میوه و تقدیم می‌کردند (رضی، ۱۳۸۳: ۲۵۹).

بر اساس گزارش یاقوت حموی، امیر آل بویه عضدالدوله، معمولاً نوروز را در تالار باشکوهی گرمی می‌داشت که در آنجا خادمان بشقاب‌های طلایی و نقره‌ای و ظروف پر از میوه و گل‌های رنگارنگ چیده بودند. امیر بر تخت شکوهمندی می‌نشست و

منجم دربار به نزد او می‌شتافت، زمین بوسی می‌کرد و فرارسیدن سال نو را به او شادباش می‌گفت. پس از آن، امیر، نوازندگان و آوازخوانان را فرا می‌خواند و سپس یاران همنشین خویش را به این بزم دعوت می‌کرد. آنان به نزد امیر می‌آمدند و در جایگاه معین خویش می‌نشستند و همگی از مراسم جشن و سرور معرکه‌ای که مهیا شده بود، لذت می‌بردند. بیهقی از برگزاری جشن باشکوه نوروز در دربار غزنویان سخن می‌گوید و برخی از زیباترین توصیفات دیباچه‌های متون فارسی یعنی مدایح درباری (به‌ویژه در آثار فرخی، منوچهری، مسعود سعد سلمان) در ستایش نوروز هستند (شاپور شهبازی، ۱۴۰۰: ۴۹ - ۴۸). در عصر حکومت ترکان غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی و نیز با ورود مغولان و تا عصر صفویان نیز مراسم نوروز توسط سلاطین و حاکمیت سیاسی به دلایل مختلفی از جمله دریافت خراج، عزل و نصب حکام از یک سو و توسط مردم به دلایل علقه‌های آیینی و عرف اجتماعی از سوی دیگر برگزار می‌شد.

با ورود به عصر صفوی و ارتباط گسترده ایران با کشورهای اروپایی و ورود سیاحان مختلف به ایران، گزارش‌های آیینی و مراسم نوروز با تفصیل بیشتری از سوی جهانگردان و سیاحان اروپایی ثبت شده است. به‌عنوان مثال، درباره اعلام زمان تحویل سال نو شاردن گزارش می‌دهد که منجمان یکی دو ساعت پیش از حلول سال جدید درحالی که لباس نو بر تن آراسته‌اند، در کاخ سلطنتی و در شهرها در سرای حکام گرد می‌آیند، به پشت‌بام یا مهتابی می‌روند، اسطراب خود را به دست می‌گیرند، به آن می‌نگرند و همین که آفتاب به برج حمل درآمد با دست علامت می‌دهند که توپچیان تیراندازی کنند (شاردن، ج ۱، ۱۳۷۲: ۴۵۰ - ۴۴۹). از دیگر مراسم نوروز این بود که فرودستان به بزرگان هدایایی تقدیم می‌کنند، زیرا این رسم مردمان مشرق زمین است که در روزهای آغاز سال نو فقیران به دولت‌مندان و کوچکان به بزرگان چیزی تقدیم می‌کنند و همیشه این رسم رعایت می‌شود (شاردن، ج ۲، ۱۳۷۲: ۷۶۸). اعمال دیگری نیز چون انتصابات، دید و بازدید و مراسمی مثل سبزه کاشتن، تخم مرغ رنگی، لباس نو و ... نیز در منابع و سفرنامه‌های عصر صفوی به چشم می‌خورد.

برگزاری آیین نوروز در عصر قاجار نیز ادامه پیدا کرد. دروویل درباره اهمیت نوروز می‌نویسد که نوروز، سال نو ایرانیان روز تحویل آفتاب به برج حمل است و مراسمی که بدین مناسبت برگزار می‌شود از زمان زردشتیان باستان تا کنون حفظ شده است (دروویل، ۱۳۶۷: ۱۳۵). در عید نوروز مردم از طبیعت تقلید کرده و به همه چیز زندگی تازگی می‌دادند. ظروف مسی خانه به سفیدگری فرستاده می‌شد. باید مس‌ها برای روز عید رویگری شده و

براق و درخشان باشد. آب حوض و آب انبار خانه را عوض می‌کردند. فرش‌ها را تکان داده، دیوار اتاق‌ها را اگر گل سفید نزده بودند، می‌گرفتند و قبل از تحویل خورشید به برج حمل، رخت‌های نو را پوشیده، سر سفره عید می‌رفتند (مستوفی، ۱۳۷۱: ۳۵۴). بزرگ‌ترین نماد نوروز سفره هفت‌سین است. ایرانیان سفره هفت‌سین را از ضروریات سال نو می‌دانند که عبارت‌اند از: ماهی (از سین لغت سمک عربی گرفته شده است)، سیب، سیر، سبزی، سرکه سنجد و سنگ (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۳۰). مراسم‌های دیگری چون تبریک و تهنیت گفتن ایرانیان به هم خرید لباس نو و دید و بازدید در عصر قاجار نیز ادامه داشت.

در عصر جهانی‌شدن و حل شدن تدریجی فرهنگ‌های بومی در فرهنگ یکدست جهانی، نوروز همچنان به حیات خود در ایران ادامه می‌دهد. در زمان معاصر نیز آیین‌های مربوط به پیشواز از نوروز مثل چهارشنبه‌سوری و آیین‌های نوروزی، کماکان در اقوام و نقاط مختلف ایران برگزار می‌شود. مردم‌شناسی مراسم نوروز در جای‌جای ایران و در بین اقوام مختلف رنگ‌وبوی خاصی دارد که بررسی هر کدام مجالی مجزا می‌طلبد. با این حال از بین اعیاد ملی ایرانیان قبل از اسلام، نوروز با پیوستگی با برخی مفاهیم دینی و مذهبی توانسته است که به‌نوعی وحدت و یکپارچگی آیینی را در درون خرده‌فرهنگ‌های ایرانی حفظ کند.

۲. نوروز در ترکیه

از عصر عثمانی، مراسم نوروز در ترکیه به طور رسمی برگزار می‌شده است. عثمانیان نوروز را به‌عنوان یکی از ایام معدود جشن می‌گرفتند. در این روز حکیم‌باشی معجونی را که نوروزیه نامیده می‌شد و با افزودن مشک، عنبر و سایر عطریات فراهم می‌آمد به هنگام ورود آفتاب به برج حمل در کاسه‌های چینی سرپوش‌دار تقدیم سلطان می‌کرد. در این روز صدراعظم هدایای مختلفی از قبیل اسب، اسلحه و قماش تقدیم سلطان می‌کرد که از آن به‌عنوان پیشکش نوروزیه یاد می‌شد. در نوروز منجم‌باشی دربار را نیز چون حکیم‌باشی وظیفه‌ای بود. وی تقویم سال را تهیه می‌کرد و صبح نوروز تقدیم سلطان و صدراعظم می‌کرد و از سلطان عطیایی دریافت می‌کرد که آن را نیز نوروزیه می‌گفتند.

در ترکیه آیین‌هایی از جمله سبزه رویاندن، خانه‌تکانی و تهیه خوراک‌ها و شیرینی‌های نوروزی در میان کردهای این کشور برگزار می‌شود. همانند آذربایجان، جشن نوروز در ترکیه از قدمتی فراوان برخوردار است. در دوره عثمانی، این روز فقط به‌مثابه جشن نوروز در نظر گرفته می‌شده است. در این زمان شخصی به نام حکیم‌باشی معجون خاصی به نام نوروزیه

تهیه و برای استفاده پادشاهان و درباریان ارائه می‌کرد. خاصیت شفابخشی این معجون عامل توجه دربار به آن بود. در این روز صدراعظم هدایای گوناگونی تقدیم سلطان می‌کرد که از آن به‌عنوان پیشکش نوروزیه یاد می‌شد. به عبارت بهتر، از زمان عثمانی که بسیار تحت‌تأثیر فرهنگ و تمدن ایران قرار گرفتند، تا امروز سنت و آیین نوروز در ترکیه جشن گرفته می‌شود. باوجود بی‌توجهی فراوانی که از دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به این سنت باستانی شد، از ژانویه ۲۰۰۵ عید نوروز به‌صورت رسمی از سوی دولت مرکزی پذیرفته شد و مطابق ابلاغیه رسمی آیین‌های ویژه، از جانب مراکز آموزش الزامی شد (سازمند، ۱۳۹۶: ۱۵۲ - ۱۵۰). نواختن سورنا و دهل و سخنرانی‌های حماسی در کنار آتش گویای برخی آیین‌های پاسداشت و برگزاری آیین روز اول نوروز در ترکیه است. براین‌اساس، در میدان‌های بزرگ شهرها و روستاهای شرقی ترکیه سورنا و دهل نواخته می‌شود و جمعیت انبوهی درحالی‌که دست در دست یکدیگر دارند، به دور کپه‌های آتش به رقص و پایکوبی می‌پردازند (سازمند، ۱۳۹۳: ۷۰). آیین نوروز بیشتر در نواحی شرقی و منطقه آناتولی ترکیه برگزار می‌شود و در ادامه به برخی از مراسم و آیین‌های نوروز در این مناطق پرداخته می‌شود. در اوراسیا و در میان اقوام شرقی، روز اول سال نو، در زمانی که شب و روز برابر است و فصل زمستان به پایان می‌رسد، جشن گرفته می‌شود. ترک‌ها هم این جشن را قبل از میلاد به تداوم فرهنگ اجداد خود مرتبط می‌کنند که در منابع چینی از قرن‌های پیش از میلاد ثبت شده است. منابع چینی از ترک‌ها یاد می‌کنند که در تاریخ ۲۱ مارس، غذا آماده کرده و به مراتع می‌رفته و جشن می‌گرفتند. پذیرش ۲۱ مارس به‌عنوان شروع تقویم ترکی که بر اساس حرکت‌های خورشید تنظیم شده است، نشان می‌دهد که امروزه این تاریخ چه‌قدر برای آنان اهمیت دارد. پیروان علوی - بکتاشی معتقدند که این جشن‌ها به‌طور مستقیم از فرهنگ فارسی الگوبرداری شده‌اند. اما حضور اولین اطلاعات این برنامه‌ها در شاهنامه فردوسی قرن یازدهم، نشان نمی‌دهد که گرامیداشت نوروز توسط ترک‌ها از ایرانیان الهام‌گرفته شده باشد. زیرا منابع قرن یازدهم نشان می‌دهد که ترک‌ها پیش از این تاریخ نیز نوروز را به‌عنوان جشن بهار گرامی می‌داشتند. منابع چینی، نقاشی‌های اویغور، دیوان لغات ترک محمود کاشغری و تقویم ترک دوازده‌گانه حیوانی نشان‌دهنده واضحی از این موضوع است (Gorkem, 2000: 50-49).

نوروز در اعتقادات علوی - بکتاشی جایگاه ویژه‌ای دارد. شروع با روایات نوروزی که محتوای اسلامی به خود گرفته است، چگونگی زنده نگه‌داشتن این سنت در چارچوب عقاید علوی - بکتاشی را بهتر آشکار خواهد کرد و آن را در جایگاه خود قرار خواهد داد. این

روایت‌ها را به طور اختصاری به شرح زیر بیان می‌کنیم: این که خداوند زمین را در نوروز آفرید و خشت حضرت آدم (ع) را ترکیب کرد. ملاقات آدم و حوا در عرفات در نوروز رخ داد. نوح (ع) پس از طوفان از کشتی خارج شد و در این روز پا به زمین گذاشت. نجات حضرت یوسف (ع) از چاهی که در همان روز به آن انداخته شد. عبور حضرت موسی (ع) از دریای سرخ. یونس (ع) در این روز در ساحل فرود آمد. در تحقیقی که در سال ۱۹۵۸ در روستای اوچاک واقع در ارزنجان - کمالیه انجام شد، نکات زیر برجسته شد. این عید بزرگ علویان محسوب می‌شود. این مراسم با آب‌نبت، شربت و گل همراه می‌شود. شادباش با تأکید بر عناصر زیر به چشم می‌خورد: جشن توسط دده به‌ویژه در عصر نوروز برگزار می‌شود. امروز - آن چنان که به‌عنوان تولد امام علی (ع) لحاظ می‌شود - دده به نیایش می‌پردازد و گلبانگ سر می‌دهد و آرزو می‌کند که سال نو پر خیر و برکت باشد. از علی (ع) خواسته می‌شود که آرزوهای ما بر زبان، خواسته‌های ما در دل و شفای بیماران و ادای قرض بدهکاران را برآورده کند. همچنین یک کاسه شیر جوشانیده در سینی به اتاق آورده می‌شود. گل‌های فصلی نیز در سینی قرار می‌گیرند (Ibid: 50-51).

تدارکات استقبال از نوروز و جشن‌های نوروزی تقریباً در همه جای آناتولی مشترک است. اما کمترین کاری که می‌توانیم انجام دهیم تمیز کردن خانه‌هاست. پوشیدن لباس‌های پاکیزه و سفید در ۱۸ منطقه مرسوم است. زنان یک روز بعد از نوروز در ادرنه دانه‌های حنای جوان به دستشان می‌مالند. در شب نوروز، در بسیاری از مکان‌ها مردمان گرسنه در صبح‌گاه و نیز در طول نوروز نمی‌خوابند. در سیواس می‌گویند مردان برای نوروز به چمنزار می‌روند. زنان در بوستان خانه با هم صبحانه و شیر و ماست می‌خورند. آنان غذاهایی را که با حرف سین شروع می‌شود، درست می‌کنند. خوردن غذا با هم یا توزیع آن در میان عموم، به‌خصوص افراد فقیر، یک سنت در آناتولی است که بر کل منطقه حکمفرماست. زیارت قبور و تقدیم غذای آماده به ارواح درگذشتگان و خواندن قرآن جزء مراسم نوروزی است (Turan, 2000: 355).

عایشه عثمان اوغلو، رئیس کاخ عثمانی، غذاهای نوروزی را معرفی کرد که شامل ۷ نوع غذا با حرف سین بود که از جمله آنها می‌توان به کنجد، شیر، نان گرد، آب، ثعلب، زعفران و سیر اشاره کرد. اعتقاد بر این بود که این غذاها خوشبختی به همراه می‌آورند. غذاهای ویژه نوروزی در سراسر آناتولی متداول هستند؛ اما بر اساس منطقه متفاوت هستند. مواد معمول شامل پوست پیاز، گیاهان مختلف، نوعی گل و تخم‌مرغ‌های نقاشی شده است. در برخی مناطق، این تخم‌مرغ‌ها در سبزیجاتی مانند جوانه جو و عدس قرار می‌گیرند (Ibid: 356).

آن‌هایی که تقویم میلادی را ایجاد کردند، سال را به ۱۲ ماه تقسیم نموده‌اند: ماه‌های مارس، آوریل و مه اول بهار، ماه‌های ژوئن، ژوئیه و اوت تابستان، ماه‌های سپتامبر، اکتبر و نوامبر پاییز و ماه‌های دسامبر، ژانویه و فوریه زمستان است. بدون شک، هر فصلی زیبایی و ویژگی‌های خاص خود را دارد. اما زمستان‌های قدیمی طولانی بود و مردم را خسته می‌کرد. در نقطه تلاقی مرکزی آناتولی با منطقه ایجه و آکدنیز، زمستان در افیون قره حصار بسیار سرد بود و برف برای ماه‌ها روی زمین می‌ماند. بعضی اوقات ارتفاع برفی که می‌آمد چند متر اعلام می‌شد. بنابراین، امیدوار بودند که زمستان به سرعت پایان یابد و جای خود را به بهار دهد. در حدود ۵۰ - ۴۰ سال پیش، نوروز در افیون قره حصار با جشن‌های پرشوری برگزار می‌شد. پدران ما می‌گفتند امروز باید هفت نوع غذایی که با حرف سین شروع می‌شود، صرف شوند. در خانه‌ها، شیر، نان شیرینی، کنجد، ماهی، ثعلب، سرکه، سیر و ... نگهداری می‌شد. اگر نمی‌توانستند هفت نوع غذا را با حرف سین تهیه کنند، ممکن بود تعداد را به سه کاهش دهند. هنگام نزدیک شدن به نوروز، آماده‌سازی‌ها در خانه‌ها آغاز می‌شد. همه مردم، چوب‌ها را به مقدار زیادی آماده می‌کردند. در آن روز، زنان کارهای خانه را انجام نمی‌دادند. برخی از فروشگاه‌ها بسته می‌شدند و همه افراد، از تفریح در طول روز لذت می‌بردند. در سحر، جوانان به خیابان‌ها می‌شتافتند و آتش روشن می‌کردند. روی قلعه و تپه‌ای به نام اورتاسیوری که روبه‌روی آن قرار داشت، چراغ‌هایی با مواد سوزنده مانند قیر روشن می‌کردند که از هر جای شهر قابل مشاهده بود. جوانان در گروه‌های دختر و پسر از روی آتش می‌پریدند. در کنار آتشی که روشن می‌شد، تخم‌مرغ‌ها پخته می‌شدند و معمولاً با پوست پیاز رنگ می‌شدند. سپس با تخم‌مرغ پخته مسابقه‌ای آغاز می‌شد. هر کسی که تخم‌مرغ کسی را می‌شکست، آن را برنده می‌شد. جشن تا شام ادامه داشت و با بازی‌های مختلف همراه می‌شد (Nasrattinoğlu, 2000: 122-124).

در آناتولی، تنوع و تعداد باورهای مرتبط با نوروز و ارتباط آنها با امروز چشمگیر است. به‌عنوان مثال، روزی که توبه آدم (ع) پذیرفته شده و کشتی نوح (ع) بر ساحل نشست و معجزه موسی (ع) رخ داده، به‌عنوان روزهایی است که به نوروز اختصاص داده شده‌اند. همچنین، در سنت بکتاشی و علوی آناتولی، روز تولد یا خلافت حضرت علی (ع)، قدرتمندترین روز الهی، برخاستن از مرگ و نمایان کردن وحدت حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) و همچنین یادآوری جشن چهل‌گانه به‌عنوان روز آغاز بهار و نوروز جشن گرفته می‌شود. از مراسمی که پایه‌های جشن نوروز را تشکیل می‌دهد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کودکان

با جمع‌آوری گل‌ها بازی می‌کنند، زنان در خانه‌ها نظافت می‌کنند و لباس‌های جدید می‌پوشند. جشن‌ها توسط کودکان با گل‌های کروکوس نوروزی که در برخی مناطق به آنها پسران یتیم می‌گویند برگزار می‌شود. گل‌های جمع‌آوری شده با نمایشنامه‌هایی که آمیزه‌ای از بازی، موسیقی و کلام است، خانه‌به‌خانه پخش می‌شوند و در ازای آن غذا جمع‌آوری می‌شد. زنان در خانه‌ها به تمیزی نوروزی می‌پردازند و نان‌های نوروزی می‌پزند و لباس‌های جدید می‌پوشند. خوردن تخم‌مرغ‌های رنگ شده، برهم‌زدن تخم‌مرغ‌ها و پرواز بادبادک‌ها امروز هم یکی از سرگرمی‌هاست. یکی از مراسم مهم امروزی، آتش‌زدن در حیاط پشت‌بام و میادین است. پربدن از روی آتش در حال آرزو کردن هم رایج است (Kutlu, 2000: 112).

اگرچه اندیشه‌ها در مورد باورهای نوروزی در آناتولی متفاوت است، اما مراسم سنتی به یکدیگر شبیه است. این مراسم می‌توانند به چهار گروه اصلی تقسیم شوند که در زیر دیده می‌شوند: ۱. باورها و رسوم برای شفا و سلامتی؛ ۲. باورها و رسوم برای برکت، رونق، کالاهای، مالکیت و خوش‌شانسی؛ ۳. باورها و رسوم برای قسمت و خوش‌بختی و؛ ۴. باورها و رسوم برای درک و راهنمایی آینده.

باورها و رسوم برای شفا و سلامتی. این مراسم با هدف حفظ سلامتی یا محافظت در برابر بیماری انجام می‌شود. در شبانقره حصار، اگر صبح نوروز در رودخانه‌ها استحمام بگیرید، قدرت و سلامتی به دست خواهید آورد. عثمانی‌ها اهمیت زیادی به نوروز می‌دادند. منجم‌باشی در روز نوروز تقویم جدید را به سلطان تقدیم می‌کرد. در آن لحظه به وی انعامی به نام نوروزیه‌باشی داده می‌شد. شیرینی‌های قصری که از ادویه‌جات مختلف درست شده بود توسط پزشکان ارشد و سلطان در کاسه‌هایی با روکش چینی به خانواده‌ها و بزرگان تقدیم می‌شد. در مارس، در برخی مناطق آناتولی (در ارتباط با نوروز) سنت دیگری به نام چهارشنبه‌سیاه وجود دارد. در این روز، یک شاخه گل سرخ وحشی از وسط به دو نیمه قطع می‌شود. سپس دو انتهای آن را فشار می‌دهند و یک حلقه شکل می‌دهند. سپس همه، به‌ویژه بیماران، از این حلقه عبور می‌کنند. باور بر این است که بیماری از بین می‌رود و از مشکلات نجات می‌یابند. در ادرنه، در روز نوروز، حصیرهای قدیمی را می‌سوزانند و مردم از روی آن‌ها می‌پزند.

باورها و رسوم برای فراوانی و خوش‌شانسی. هدف از این مراسم تضمین این است که کل سال به‌وفور و رفاه بگذرد. در آناتولی شرقی، در شب قبل از نوروز، سرپرست خانواده هدایای کوچکی را به تعداد اعضای خانواده تهیه می‌کند و سنگ‌ها را جمع‌آوری می‌کند و

آن‌ها را دور بخاری خانه می‌چیند. این که سنگ‌ها چه کسی را نشان می‌دهند از قبل مشخص می‌شود. صبح نوروز، زیر سنگ‌ها واری می‌شود و اگر زیر سنگ حشره‌ای قرمز دیده شود، به‌عنوان نشانه‌ای از خوشبختی در نظر گرفته می‌شود. اعتقاد بر این است که شخصی که توسط آن سنگ نمایان شده است، برکتی را به همراه خواهد آورد و تأثیری بر سرنوشت خانه برای آینده خواهد داشت. در آناتولی، مردم در صبح نوروز زود بیدار می‌شوند تا به زیارت قبور بروند و آرزو کنند. فرد آرزوکننده از هر قبر یک سنگ برمی‌دارد و پس از چهل قبر، مجموعه سنگ‌هایی را که در کیسه قرار داده است، در خانه خود آویزان می‌کند و یک سال منتظر می‌ماند. اعتقاد بر این است که اگر آرزوی او برآورده شود، تکه سنگ‌ها به تعداد چهل و یک می‌رسند. در نوروز، به‌گونه‌ای که آرزو برآورده شده یا نشده باشد، سنگ‌ها را به جایی که از آن برداشته‌اند بازمی‌گردانند. در منطقه سیواس، اگر رعد و برق در نهم مارس بغرد، محصول آن سال فراوان خواهد بود.

باز شدن بخت و آرزوی خوشبختی. مراسم مربوط به این هدف بیشتر توسط افراد جوان انجام می‌شود. در غازی‌عینتاب، روز بیست و دوم مارس به سلطان نوروز معروف است. این باور در میان مردم وجود دارد که در شب بیست و یکم و بیست و دوم مارس، سلطان نوروز به شکل یک دختر زیبا در زمان مشخص نشده‌ای از غرب به شرق مهاجرت می‌کند. آرزوی کسانی که در زمان عبور سلطان نوروز بیدار هستند برآورده خواهد شد. به همین دلیل، تمام ظرف‌ها و تشت‌های خانه تا صبح با آب پر می‌شوند و منتظر می‌مانند. طبق باورهای محلی، اگر آرزو برآورده شود، آب به طلا تبدیل می‌شود. در بسیاری از مناطق در نوروز جوانان آرزو می‌کنند و وارد آب سرد می‌شوند. حداقل سه بار بدن را به طور کامل در آب فرو می‌برند. به این‌گونه، اعتقاد بر این است که بخت آن‌ها باز خواهد شد و آرزوهایشان برآورده خواهد شد. در ادرنه، دختران جوان در شب نوروز یک عنکبوت را در یک جعبه کبریت زیر بالش خود قرار می‌دهند تا در سال آینده رؤیای عاشق یا شخصی که قرار است با او ازدواج کنند، ببینند. در یوزگات، دختران جوان امید دارند که سال آینده در آغوش یک کودک در خانه شوهرشان باشند. آنها چمن یا سبزی پیدا می‌کنند و گره می‌زنند.

اعتقادات و رسوم برای درک و هدایت آینده. مراسم در این گروه بیشتر برای درک این که سال خوب یا بد خواهد بود، انجام می‌شود. در آغری، جوانان نصف یک نوع نان سفید ترش به نام گیلیک را می‌خورند و بدون نوشیدن آب به رختخواب می‌روند. در خواب به آنها آب داده می‌شود و با فردی که در خواب به آنها آب می‌دهند صحبت می‌کنند. نصف دیگر

نان باقی مانده صبح روی سقف خانه قرار می‌گیرد و روی سقف باقی می‌ماند. اگر یک کلاغ بیاید و نان را بردارد و روی سقف خانه‌ای که وی آرزو کرده است بخورد، اعتقاد بر این است که فرد با دختر یا پسر آن خانه ازدواج می‌کند. اگر کلاغ پشت‌بام خانه قرار نگیرد و دور شود، اعتقاد بر این است که با فردی از راه دور ازدواج خواهد کرد. در منطقه قارص، باورها و رسوم مختلفی وجود دارد که به پیش‌بینی آینده یا نتایج مربوط می‌شوند. لک‌لهایی که در نوروز ماهی در دهان خود دارند، نشانه حاصلخیزی سال است. دیدن یک تکه پارچه ممکن است نشانه احتمال جنگ یا نبرد باشد. در چهارشنبه سیاه جوانان آرزویی می‌کنند و در خانه همسایه را می‌زنند تا به اولین کلمه‌ای که گفته می‌شود گوش دهند که تعیین‌کننده این است که آرزو برآورده خواهد شد یا خیر. رسم دیگر شامل جمع شدن دختران جوان برای اجرای یک مراسم با سوزن‌ها و آب است تا پیش‌بینی کنند که دو عاشق بر اساس حرکت سوزن‌ها به هم می‌رسند. این سنت‌ها نشان‌دهنده غنا و باورهای فرهنگی در منطقه قارص و اطراف آن است (Kaya, 2000: 86-88).

مراسم و آیین‌های نوروزی در ترکیه و منطقه آناتولی دارای ویژگی‌هایی است که برگزاری آن را متمایز می‌کند. هر چند که نوروز یک میراث مشترک بین ایران و ترکیه است، اما با قرار گرفتن در بستر جغرافیایی، فرهنگی و مذهبی، رنگ‌وبوی خاص خود را گرفته است. با این حال، نوروز به‌عنوان یک بستر مهم برای دیپلماسی و مراوده فرهنگی می‌تواند به تعمیق روابط ایران و ترکیه کمک شایانی نماید.

۳. تشابهات و تفاوت‌های نوروز در ایران و ترکیه

در عصر کنونی، برگزاری مراسم فرهنگی و آیینی در سطح کلان، یکی از شاخصه‌های مهم وفاق و همدلی محسوب می‌شود. نوروز به‌عنوان آیینی تاریخی و فراگیر در دوازده کشور ثبت‌کننده نوروز، بستر بسیار مناسبی جهت تعمیق روابط فرهنگی در بین این کشورهاست. امروزه کشورها از هر زمینه‌ای برای نزدیکی و مراودات فرهنگی با دیگر کشورها استفاده می‌کنند. نوروز می‌تواند نقش بسیار مهمی در گسترش فرهنگ صلح در بین ایران و ترکیه داشته باشد.

از بستر تاریخی و نگاه استنادی می‌توان گفت که نوروز در ایران از زمان هخامنشیان برگزار می‌شده است. نقوش کاخ آپادانا و ملل تابعه هخامنشی که هر کدام هدایایی برای شاهنشاه ایران پیشکش می‌کنند شاهد این مدعاست. نوروز در عصر اشکانیان و ساسانیان نیز

در ایران برگزار می‌شده است. با ورود اسلام، در کنار مراسم قبل از اسلامی نوروز در ایران، با آمیختگی فرهنگ ایرانی و اسلامی، نوروز رنگی ایرانی و اسلامی به خود گرفت. روایات زیادی وجود دارد که درباره اهمیت نوروز در فرهنگ اسلامی نقل شده است.

نوروز در فرهنگ ایرانی همیشه با مقدماتی همراه بوده است و به‌عنوان مثال برگزاری چهارشنبه آخر سال جزء آن است. افزون بر این، ایرانیان با تمیز کردن و گردگیری خانه، خریدن لباس‌های نو و نیز کاشتن سبزه به استقبال نوروز و اعتدال بهاری می‌رفتند و می‌روند. گسترده سفره نوروزی و گزیدن هفت نوع خوراکی گوناگون و چیدن آن روی سفره، از رسم‌های عمومی نوروز در ایران بوده است. در بیشتر مناطق ایران سفره هفت سینی پهن می‌کنند که هفت نوع خوراکی که نخستین حرف نام هر یک «سین» است، روی آن می‌چینند. هنگام تحویل سال، همه اعضای خانواده دور سفره عید جمع می‌شوند و می‌نشینند و شمع یا چراغ‌هایی را به همراه عود روشن می‌کنند. تبریک سال نو به یکدیگر و خواندن دعای تحویل سال در میان مسلمانان جزء آیین جشن نوروزی است. معمولاً بزرگ‌ترها به کوچک‌ترها عیدی می‌دهند. در مناطق روستایی ایران آیین نوروزخوانی برگزار می‌شود و چندین مطرب و خواننده در اطراف روستا می‌چرخند و نغمه شادی سر می‌دهند. مراسم دیدوبازدید نیز از مراسمی است که در نوروز در ایران برگزار می‌شود. روز سیزدهم فروردین و گشت‌وگذار در طبیعت حسن ختام نوروز در ایران است.

نوروز در ترکیه نیز که بیشتر در مناطق شرقی و آناتولی برگزار می‌شود، دارای آیین‌هایی است که وجوه اشتراکی با برگزاری نوروز در ایران دارد. در ترکیه نیز همچون ایران، گردگیری و خانه‌تکانی انجام می‌شود و سبزه‌هایی برای استقبال از نو شدن و تازگی بهار کاشته می‌شود. در ترکیه نیز مراسم دیدوبازدید مثل ایران وجود دارد. کلیت شباهت مراسم نوروز در ایران و ترکیه در به پیشواز رفتن نوروز، کاشتن سبزه، خانه‌تکانی و گردگیری محل زندگی، نواختن ساز و دهل در مراسم تحویل سال و دیدوبازدید خانواده‌ها است. با این حال، در دو بستر فرهنگی و در هر ناحیه از ایران و مناطق شرقی ترکیه، خرده‌فرهنگ‌هایی وجود دارد که سنن برگزاری نوروز را در هر ناحیه مخصوص به خود کرده است. به‌عنوان مثال در ایران و در استان فارس، مراسم نوروز و سیزدهم فروردین با تفاوت‌هایی در شهرستان‌های مختلف برگزار می‌شود (فقیری، ۱۳۸۹: ۱۲۶ - ۴۲). در ترکیه نیز نوروز در میان کردها و فرقه بکتاشی و نیز باورهای مردم‌شناسانه تفاوت‌هایی دارد که به آن اشاره شد.

وجوه اشتراک فرهنگی ایران و ترکیه. به طور کلی، قاره آسیا مهد ظهور تمدن‌های بزرگ تاریخ است و کشورهای آسیایی دارای منابع بالقوه تأثیرگذار قدرت نرم هستند. هنر، سرگرمی‌ها و فرهنگ‌های باستانی آسیا برای قرن‌ها تأثیری قوی بر دیگر نقاط دنیا داشته است (نای، ۱۳۸۹: ۱۵۸). ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قدرت‌های فرهنگی آسیا و جهان همیشه در روند فرهنگی جهان تاثیر داشته است و امروز نیز با اهرم‌های دنیای مدرن در عرصه‌های مختلف می‌توان وجوه قدرت نرم ایران را برجسته نمود. در ادامه در کنار نوروژ می‌توان به ابعاد مشترک فرهنگی دیگری در میان دو کشور ایران و ترکیه اشاره کرد که تاکید بر هر جنبه می‌تواند به تعمیق روابط دو کشور و هم‌زیستی بیشتر کمک شایانی نماید.

ترکیه نقطه تلاقی دو قاره مهم آسیا و اروپا است. ترکیه در جنوب شرقی اروپا و جنوب غربی آسیا واقع شده است. از نظر وسعت ترکیه با ۸۱۴۵۷۸ کیلومتر مربع مساحت، سی و پنجمین کشور جهان محسوب می‌شود (قاسمی، ۱۳۷۴: ۱). ترکیه به دلیل همجواری با ایران در کنار تاثیرپذیری از یونان و روم، از فرهنگ و تمدن ایرانی بسیار تاثیر پذیرفته است. اولین ارتباطات ایرانیان و ترکان در دوران اسلامی در آسیای مرکزی، با مسلمان شدن ترک‌ها شروع شد و قطعاً، ترک‌ها اسلامشان را مدیون ایرانیان هستند، یعنی ترک‌ها وقتی با ایرانی‌ها ارتباط برقرار کردند مسلمان شدند و فرهنگ اسلامی‌شان را از ایرانی‌ها گرفتند (خلج‌منفرد، ۱۳۸۷: ۱۱). یکی از مهم‌ترین دلایل توجه ترکان به زبان فارسی این بود که آنان هنگام کوچ جمعی از موطن خود در آسیای میانه به سمت آناتولی، با ایرانیان زندگی کرده بودند. این امر موجب ورود واژگان بسیاری از فارسی به ترکی شد. دلیل دیگر این بود که ترکان از طریق ایرانیان با اسلام آشنا شدند و بسیاری از موضوعات و مفاهیم دینی را از آنان آموختند. در مدارس ترکی نیز زبان فارسی آموزش داده می‌شد و آثار ادیبانی چون عطار، مولانا، سعدی، حافظ، جامی و غیره جزئی از فرهنگ و ادب ترکی شد (ارس، ۱۳۸۵: ۸۱ - ۸۰)

با مسلمان شدن ترک‌ها در دستگاه اداری حکومت‌های ایرانی چون سامانیان، با تشکیل حکومت سلجوقی در ایران به مرکزیت ری و اصفهان، سلجوقیان در ترکیه و آسیای صغیر هم حضور داشتند. بنا به نوشته ابن بی‌بی در کتاب *الاوامر العلائیه فی الامور العلائیه*، در دوره سلجوقی، فارسی هم زبان رسمی و مکاتبه بود و هم زبان انس و الفت و تکلم مردمان عادی، وزیران و سلاطین ترک با یکدیگر بود و بیشتر آنان فرزندان خود را به فراگیری این زبان تشویق می‌کردند (ابن بی‌بی، ۱۳۵۰: ۲۳۶). بعد از استقرار سلجوقیان و امرای دست‌نشانده آنها در آسیای صغیر، به تدریج زبان فارسی، زبان رسمی آنان گردید. محاوره در

شهرهای مهم و نامه‌نویسی در دستگاه امیران و تدریس و تألیف و تصنیف و شاعری به این زبان بود. علتش این بود که خاندان سلجوقی پیش از رسیدن به روم در ایران با زبان و فرهنگ ایرانی خو گرفته بودند و ایرانی شده بودند (ریاحی، ۱۳۶۹: ۲۳). همان اثری که زبان‌های لاتین و یونانی بر فرهنگ اروپایی گذاشت، آثار کلاسیک عربی و فارسی نیز بر فرهنگ ترک‌های عثمانی گذاشت (لوئیس، ۱۳۶۵: ۲۳۲).

زبان فارسی یکی از زبان‌های دیرینه و اثرگذار جهان محسوب می‌شود و شعرا و ادیبان ایرانی بر شرق و غرب ادبیات جهان تأثیرات چشمگیر گذاشته‌اند. زبان فارسی یکی از شاخصه‌های مهم قدرت نرم ایران در ترکیه به شمار می‌رود. زبان فارسی در دوران سلجوقی و عثمانی یکی از زبان‌های رسمی دیوانی بوده است و تا به امروز هم واژگان فارسی در زبان ترکی پر شمار هستند. نفوذ زبان فارسی بر ترکی شدید بود. این نفوذ، هم در غرب (زبان آذربایجانی و هم تا حدی ترکی عثمانی) و هم در شرق (آسیای مرکزی و بالاتر از همه ناحیه ازبکستان جدید) هویداست و با گذشت زمان افزایش یافته است. در آن حال که در متون ترکی قره‌خانی آسیای میانه تنها ۱/۶ درصد وامواژه‌های فارسی وجود دارد، در زبان ترکی جغتایی ۲۶ درصد و در زبان جغتایی کلاسیک واژگان فارسی موجود به ۵۰ و ۶۰ درصد می‌رسد. همین امر در مورد ترکی عثمانی هم صدق می‌کند (دورفر، ۱۳۸۱: ۳۳۱-۳۳۰). اندیشوران ترک، فارسی را وسیله ایجاد الفت و افزایش همبستگی‌ها می‌دیدند و هرگز نمی‌اندیشیدند که این زبان در پی سلطه سیاسی یا تحمیل فرهنگی قدم برمی‌دارد. اغلب سلاطین عثمانی همان‌گونه که فرزندان خود را به فراگیری زبان و فارسی تشویق می‌کردند، از اعزاز فارسی‌نویسان نیز دریغ نمی‌ورزیدند. بعضی از آنان چون سلطان محمد، سلطان بایزید، سلطان سلیم و سلطان سلیمان علاقه‌مند به شعر فارسی بوده و اشعاری به زبان فارسی سروده‌اند (ریاحی، ۱۳۶۹: ۸۹).

در عصر کنونی در راستای دیپلماسی فرهنگی، زبان فارسی یک عنصر کلیدی در ارتباط بین ایران و ترکیه محسوب می‌شود. زبان فارسی توانسته است نقطه اتصال فرهنگی میان ایران و ترکیه باشد. وضعیت تدریس زبان و ادبیات فارسی، ترجمه آثار فارسی به ترکی وضع بسیار مناسبی دارد. در مورد رشته زبان و ادبیات فارسی، در ترکیه به‌طور کلی این رشته در هفت دانشگاه ارائه می‌شود که پنج دانشگاه در دوره لیسانس، هفت دانشگاه در مقطع فوق لیسانس و چهار دانشگاه در دوره دکتری این رشته را ارائه می‌کنند (کولایی؛ نبوی، ۱۳۹۹: ۱۶۷).

در مرکز مطالعات شرقی وابسته به دانشگاه آنکارا مطالعات جامعی درباره فرهنگ و ادب ایران صورت می‌گیرد. در انستیتو تاریخ معاصر وابسته به دانشگاه مذکور نیز تاریخ و فرهنگ ایران اسلامی مطالعه می‌شود. همچنین در کرسی باستان‌شناسی دانشگاه استانبول، کلیات مربوط به باستان‌شناسی ایران و در انستیتو تاریخ معاصر وابسته به آن دانشگاه نیز تاریخ و فرهنگ ایران تدریس و مورد مطالعه قرار می‌گیرد. زبان فارسی مدت ۲۰۰ سال زبان رسمی سیاسی و علمی و ادبی امپراطوری عثمانی بوده و بسیاری از ادبا و شعرای این کشور نظیر سلطان سلیم پادشاه عثمانی، فضولی، لامعی و ... صاحب دیوانی از اشعار فارسی هستند. بسیاری از آثار کلاسیک ادب فارسی قبل از ایران در استانبول چاپ شد و از این حیث، ترکیه پس از هند مقام اول را دارا است (بیات، ۱۳۸۹: ۳۳۹).

میراث خطی زبان فارسی در ترکیه یکی دیگر از خطوطی است که می‌تواند به نزدیکی بیشتر فرهنگی ایران و ترکیه کمک کند. کتابخانه‌های ترکیه از دیرباز دارای ذخایر بزرگی از کتب و نسخ خطی فارسی بوده‌اند، زیرا در امپراطوری عثمانی زبان فارسی، زبان ادبی و زبان رسمی خارجی باب عالی بوده و حتی پادشاهان عثمانی نیز به این زبان شعر می‌گفته‌اند. حدود یک سوم کتب خطی شرقی کتابخانه بایزید در استانبول فارسی است. در سایر کتابخانه‌های این کشور از جمله کتابخانه موزه ایاصوفیه، کتابخانه مسجد فاتح، کتابخانه دانشگاه استانبول، کتابخانه ملی آنکارا، کتابخانه عمومی آنکارا، کتابخانه موزه توپ‌قاپی و... نیز تعداد زیادی کتب خطی فارسی نگهداری می‌شود. در کتابخانه احمد پاشا چند نسخه خطی عالی از دیوان کبیر مولوی موجود است. در موزه‌های باستان‌شناسی استانبول و آنکارا، موزه مردم‌شناسی آنکارا و موزه هنر ترکی و اسلامی استانبول مجموعه‌ای از آثار باستانی و هنری ایران شامل آثار دوره اشکانی و سلجوقی و سکه‌ها و فرش‌های ایرانی به چشم می‌خورد. در موزه قونیه که در جوار آرامگاه جلال‌الدین مولوی شاعر بزرگ ایران قرار دارد، آثار جالبی از دوران سلجوقی و آثار مربوط به مولانا گردآوری شده است (بیات، ۱۳۸۹: ۴۶۱ - ۴۶۰).

آثار منظوم و منثور مولانا که همگی به زبان شیرین و قدرتمند فارسی است، از عناصر کلیدی فرهنگی ایران و ترکیه به شمار می‌رود. ورای تمام ادعاهای ملیتی برای تصاحب شخصیت‌ها، این زبان است که بیانگر قدرت جهان‌بینی و گستره تعمقی و ادراکی یک فرد از مفاهیم زندگی و وجودی است. در عصر تسلط بی‌معنایی جهان مدرن بر زندگی انسان امروز، آگاهی از اندیشه‌های مولانا که منبعث از جهان‌بینی اسلامی و ایرانی است، چراغ راهی برای یافتن معنای انسان گم‌گشته در جهان ماده‌گرا و مصرف‌گرای کنونی است. از دیدگاه مولانا

همه ذرات کائنات در حال حیات و پویایی دائمی به طرف کمال هستند و آدمی هر گاه بتواند خود را در مسیر این پویایی و حرکت جوهری کائنات قرار دهد، با برگ برگ و ذره ذره طبیعت سیلان درونی خواهد داشت و بر افق‌های نورانی حیات دست خواهد یافت و در گرمی و حرارت این معنا و حقیقت در مسیر استکمالی حیات خود از مرحله جمادی، نباتی، حیوانی و انسانی گذر خواهد کرد و به تجرد و حتی مافوق تجرد دست خواهد یافت (عباس‌زاده- گرجان؛ فرهمند، ۱۳۹۶: ۱۴۴). مولانا انسان امروز را به توجه به عالم درون سوق می‌دهد. انسان ملول از روزمرگی و مصرف‌زدگی، به دنبال شادی و خوشی است و مولانا دستیابی به شادی را مشروط به اتصال به عالم درون می‌داند.

در مجموع، در کنار نوروز، نفوذ زبان و ادب فارسی در طول تاریخ بر فرهنگ و زبان ترکی، میراث خطی فارسی در کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مراکز اسنادی ترکیه و نیز میراث آثار پارسی مولانا از خطوط مهم قدرت نرم ایران در ترکیه هستند که با توجه و پروراندن زمینه‌های آن از سوی دستگاه دیپلماسی کشور، می‌توانند به تعامل و هم‌اندیشی و مرادده صلح-آمیز دو کشور کمک شایانی نماید.

نتیجه‌گیری

نوروز مراسم آیینی شاخصی است که در ایران و کشورهای متأثر از فرهنگ ایرانی برگزار می‌شود. نوروز یک میراث مشترک بین ایران و ترکیه و نیز دیگر کشورهای برگزارکننده آن به شمار می‌رود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که جشن‌گرفتن نوروز و پاسداشت آن جزء اصول مشترک بین ایران و ترکیه است، اما تفاوت‌هایی در برگزاری نوروز بین ایران و ترکیه وجود دارد. بستر جغرافیایی متفاوت سبب شکل‌گرفتن آیین‌هایی مختص هر منطقه، هم در ایران و هم در ترکیه در باب برگزاری نوروز شده است. بررسی‌های مردم‌شناختی نشان می‌دهد که آیین‌های نوروزی در نقاط مختلف ایران و نیز بخش‌های آناتولی و شرقی ترکیه که نوروز برگزار می‌شود، تفاوت‌هایی با هم دارند. مراسم نوروزی در آناتولی به‌طور کلی می‌تواند در چهار مقوله زیر دسته‌بندی شود: ۱. باورها و رسوم برای شفا و سلامتی، ۲. باورها و رسوم برای برکت، رونق، کالاها، مالکیت و خوش‌شانسی، ۳. باورها و رسوم برای قسمت و خوش‌بختی، ۴. باورها و رسوم برای درک و راهنمایی آینده. به طور کلی در کنار نوروز، می‌توان به ابعاد فرهنگی دیگری اشاره کرد که می‌تواند به تعمیق روابط دو کشور کمک نماید. این ابعاد شامل نوروز، نفوذ زبان و ادب فارسی در طول تاریخ بر فرهنگ و زبان ترکی، میراث خطی

فارسی در کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مراکز اسنادی ترکیه و نیز میراث آثار پارسی مولانا می‌شوند. تاکید بر روابط فرهنگی و یافتن زمینه‌های مشترک، می‌تواند بستری برای روابط پایدار و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز باشد.

منابع و مأخذ

فارسی

- ابن بی‌بی (۱۳۵۰). اخبار سلاجق روم: الاوامر العلائیه فی الامور العلائیه، به اهتمام ه. هوستما، به انضمام تعلیقات و اضافات مشتمل بر بعضی از اخبار سلاجق روم، به اهتمام محمدجواد مشکور، تهران، بی‌نا.
- ابوالقاسمی، محمدجواد (۱۳۸۵) شناخت فرهنگ، تهران، انتشارات عرش‌پژوه.
- أرس، دریا (۱۳۸۵)، «نقش زبان فارسی در روابط ترکیه و ایران و آینده زبان و ادب فارسی در ترکیه»، سخن عشق، شماره ۳۱.
- اوبن، اوژن (۱۳۶۲)، ایران امروز، ترجمه و حواشی علی‌اصغر سعیدی، تهران، زوار.
- براون، ادوارد (۲۵۳۶)، تاریخ ادبی ایران، ترجمه علی‌پاشا صالح، جلد اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- بلوکباشی، علی (۱۳۸۰)، نوز، جشن نوزایی آفرینش، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۴)، از اسطوره تا تاریخ، گردآورنده و ویراستار ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران، نشر چشمه.
- بیکی، مهدی (۱۳۸۹)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- بیات، فرهاد (۱۳۸۹)، مناسبات و اسناد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- خلج منفرد، ابوالحسن (۱۳۸۷)، تعاملات فرهنگی ایران و ترکیه: فرصت‌ها و چالش‌ها، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- دروویل، گاسپار (۱۳۶۷)، سفر در ایران، ترجمه منوچهر اعتمادی مقدم، تهران، شب‌ویز.
- درویشی، محمدرضا (۱۳۷۹)، آیین خنیاگری و نغمه‌های نوری، مجموعه مقالات نخستین همایش نوز، معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده مردم‌شناسی، تهران، ص ۱۲۵ - ۱۱۹
- دورفر، گرهارد (۱۳۸۱)، «نفوذ زبان و ادبیات فارسی در میان ترکان»، از کتاب حضور ایرانیان در جهان اسلام، ریچارد هوانسیان و جورج صباغ، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- دودینگ، کیت (۱۳۸۰)، قدرت، ترجمه عباس مخبر، تهران، آشیان.
- رضی، هاشم (۱۳۸۳)، جشن‌های آب و نوز، سوابق تاریخی تا امروز، جشن‌های تیرگان و آب پاشان آبریزگان، تهران، بهجت.

نوروز؛ بستری مشترک برای دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه □ ۱۳۳

- ریاحی، محمدمامین (۱۳۶۹)، *زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی*، تهران، انتشارات پازنگ.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۳)، *آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز* (نگرش و پژوهشی مردم-شناختی)، تهران، آگاه.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۶۸)، *مبانی انسان‌شناسی*، تهران، انتشارات عطار.
- زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۸)، *مقدمه‌ای بر قدرت ملی*، کارکردها، محاسبه و سنجش، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سازمند، بهاره (۱۳۹۳)، «*بازنمایی‌های هویتی و آیینی نوروز در کشورهای حوزه تمدنی ایران*»، مطالعات ملی، شماره ۵۹.
- سازمند، بهاره (۱۳۹۶)، *نوروز در کشورهای حوزه تمدنی ایران*، پژوهشگاه فرهنگ، تهران، هنر و ارتباطات. شاپور شهبازی، علیرضا (۱۴۰۰)، *نوروز در دوره اسلامی*، ترجمه سید سجاد شاهدشتی، کارنامه تاریخ، شماره ۱۶.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲)، *سفرنامه شاردن*، جلد ۱ و ۲، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس.
- شارون، جوئل (۱۳۷۹)، *ده پرستش از دیدگاه جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- شعبانی، رضا (۱۳۷۹)، *آداب و رسوم نوروز*، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی.
- عباس‌زاده‌گرجان، صمد و محمد فرهمند (۱۳۹۶)، *رفتارشناسی کائنات از دیدگاه مولانا، عرفان اسلامی*، شماره ۵۲.
- فرسار، احمد (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی (اصول، مبانی و نظریه‌پردازان)*، تهران، نشر اوحدی.
- فقیری، ابوالقاسم (۱۳۸۹)، *آداب و رسوم نوروزی در فارس*، شیراز، بنیاد فارس‌شناسی.
- فولادی، محمد (۱۳۸۷)، «*فرهنگ و مهندسی فرهنگ*»، راهبرد فرهنگ، شماره ۱.
- قاسمی، صابر (۱۳۷۴)، *ترکیه*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- قندهاری، فیروزه (۱۳۸۹)، *نوروز از آغاز تا امروز*، *مطالعات اجتماعی فرهنگی خراسان*، شماره ۱۶ و ۱۵.
- کولایی، الهام و سید مهدی نبوی (۱۳۹۹)، «*عوامل فرهنگی موثر بر آینده روابط ایران و ترکیه*»، *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، شماره ۴.
- لوئیس، برنارد (۱۳۶۵)، *استانبول و تمدن امپراتوری عثمانی*، ترجمه ماهملک بهار، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مجدفر، فاطمه (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی عمومی*، تهران، شعاع.
- مزدایور، کتابیون (۱۳۸۷)، *نوروز و شاهنامه*، فصلنامه فرهنگ مردم تهران، شماره ۲۵ و ۲۴.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۹)، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه: از آقا محمد خان تا آخر ناصرالدین شاه*، جلد اول، تهران، زوار.
- معین، محمد (۱۳۸۸)، *فرهنگ فارسی*، جلد دوم، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.
- مهری، بهار (۱۳۸۹)، *مطالعات فرهنگی: اصول و مبانی*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

نای، جوزف (۱۳۸۹)، *قدرت نرم*، ترجمه سید محسن روحانی، مهدی ذوالفقاری، چاپ دوم، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

نای، جوزف (۱۳۹۲)، *آینده قدرت*، ترجمه احمد عزیزی، تهران، نشر نی.
هنری، مرتضی (۱۳۵۳)، *آیین‌های نوروزی*، تهران، مرکز مردم‌شناسی ایران.

ترکی

- Görkem, İsmail, (2000), Alevi ve bektaşi geleneğinde Nevruz törenleri, **Uluslararası Nevruz sempozyumu bildiri**, Ankara.
- Kaya, Azat, (2000), İşlevsel açıdan Nevruz geleneği, **Uluslararası Nevruz sempozyumu bildiri**, Ankara.
- M. Muhtar, Kutlu, (2000), Anadolu’ da Nevruz kutlamalarının ritüel niteliği, **Uluslararası Nevruz sempozyumu bildiri**, Ankara.
- Nasrattinoğlu, İrfan ünver, (2000), Afyonkarahisar’da Nevruz kutlamaları, **Uluslararası Nevruz sempozyumu bildiri**, Ankara.
- Turan, Fatma Ahsen, (1999), **Anadolu’daki Nevruz’la ilgili uygulamalar**, Türk dünyasında Nevruz üçüncü uluslararası bilgi şöleni 18-20 Mart 1999, Elazığ